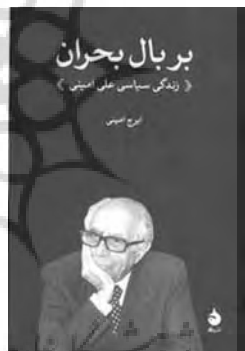


# سیاستمدار مکتب کلاسیک

● سید مسعود رضوی



■ بربال بحران: زندگی سیاسی علی امینی

■ نوشته ایرج امینی

■ تهران، نشر ماهی، ۱۳۸۸، تعداد صفحات: ۶۳۲

علی امینی یکی از مهم‌ترین چهره‌های سیاسی در عصر پهلوی است. وی را می‌توان در زمره مهم‌ترین شخصیت‌های اثرگذار در تاریخ معاصر ایران، به ویژه از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۸ خورشیدی دانست. او به کرات وارد فضای سیاسی شده و از معاونت وزارت‌خانه تا معاونت نخست‌وزیری و وزارت و صدارت را تجربه کرده بود. با دربار، رجال سیاسی قدیمی و جدید، نظامیان، روحانیون برجسته و متنفذان سیاسی منتقد و مخالف شاه رابطه داشت. رجال ملی و ملی-مذهبی و روحانیون سیاسی اگر چه به او اعتماد نداشتند، اما وی را در رقابت با شاه ارزیابی می‌کردند و می‌کوشیدند با تقویت موقعیت او در چند دوره، امکان و فضایی برای کنش سیاسی و تشکلاتی بیابند.

در سنوات اخیر که پویایی در انتشار کتب و اسناد تاریخی پیدا شد و علاقمندان تاریخ معاصر، موجب رونق کتب تاریخی، خاصه در عرصه‌های بیوگرافیک و خاطره‌نگاری شدند، آثار متعددی درباره‌ی زندگی و روش و رفتار سیاسی علی امینی تحریر و منتشر شد. اتفاقاً استقبال خوبی هم از این آثار به عمل آمد که نشان از علاقه مخاطبان به موضوع داشت. در میان این آثار شاید بتوان این‌ها را شاخص‌تر دانست که برخی یکسره درباره‌ی زندگی شخصی و سیاسی امینی بود و برخی در ضمن بدان پرداخته و نکاتی را روشن یا تاریک‌تر ساخته بودند:

- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، از انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی؛

- انقلاب ایران به روایت رادیویی بی‌سی، انتشارات طرح نو؛

- نخست‌وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار، دکتر باقر عاقلی، انتشارات جاویدان؛

- دولت‌مردان ایران در عصر مشروطیت حسین ملکی (ح.م.زاوش)، نشر اشاره؛

- شبه‌خاطرات علی بهزادی، انتشارات زرین؛

- اسناد لانه‌ی جاسوسی، جلد‌های مختلف، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی؛

- زندگی سیاسی علی امینی، جعفر مهدی‌نیا، انتشارات پانوس؛

- علی امینی به روایت اسناد ساواکه مرکز بررسی‌های تاریخی؛

- علی امینی - نیمه پنهان: سیمای کارگزاران فرهنگ و سیاست، دفتر

پژوهش‌های مؤسسه‌ی کیهان؛

- خاطرات علی امینی، به کوشش یعقوب توکلی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی (منتشر شده در کیهان لندن)؛

- خاطرات علی امینی، به کوشش حبیب لاجوردی، طرح تاریخ شفاهی ایران، مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد.

به جز این کتاب‌ها و منابع که در اختیار نگارنده هست، حتما آثار دیگری هم هست که به اجمال یا تفصیل در این موضوع وارد شده و گوشه‌هایی از تاریخ سیاسی ایران بر محور زندگی علی امینی را مورد بحث قرار داده است. مقالاتی هم هست که برخی از آن‌ها در دسترس است. از جمله:

- مقاله: مادرم فخرالدوله، نوشته علی امینی، سال‌نامه‌ی دنیا، سال ۱۳۳۹، ش ۱۶، ص ۱۳۸؛

- مقاله دکتر علی امینی در سال‌نامه دنیا، سال ۱۳۴۰، ش ۱۷ درباره‌ی نفت و مسأله کنسرسیوم و...؛

- مقاله: اسراری از نخست وزیری علی امینی، روزنامه اتحاد ملی، مورخ ۱۲ خرداد ۱۳۴۰.

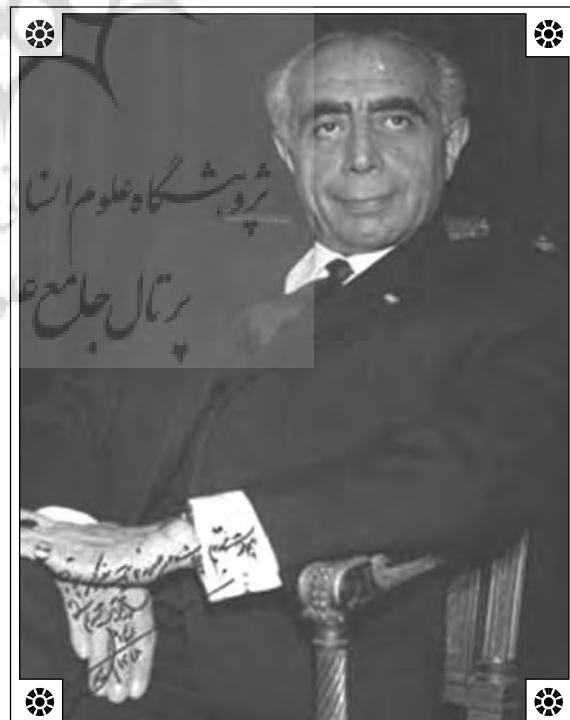
این چند منبعی که ذکر شد، هر یک نظر گاهی دارد و محدودده‌ای را مورد توجه قرار داده است، اما به جرأت می‌توان گفت که خواندن همه‌ی آن‌ها در نهایت کمک زیادی به خواننده نمی‌کند. حتی قدرت دآوری و افق تحلیل را در وی کند می‌سازد و نهایتاً تنها برای مورخی که چیرگی اندوخته‌ها و چابکی ذهنی داشته باشد، برخی مواد خام و لازم را فراهم می‌سازد. برخی از این آثار، صرفاً مادی اولیه برای کارهای بعدی است

و هیچ پالایش و گزینشی جز به سلیقه مورخ یا تحلیل‌گر سیاسی را الزام نمی‌کند. برخی دارای قضاوت افراطی است و خواننده را با داوری‌های بی‌در پی و به دور از موضع اعتدال، آشفته ذهن می‌کند. برخی نیز از حد مدخل‌های توصیفی در کتب عمومی فراتر نرفته و فقط اطاب ممل را به نثر و نگارش تاریخی افزوده‌اند. اگر همه منابع مذکور از سوی خواننده خوانده شود، بی شک دچار سر در گمی خواهد شد. چرا که مثلاً مقاله‌ی ژورنالیستی مسعود بهنود در مقدمه‌ی خاطرات علی امینی (تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد) یا توطئه‌اندیشی ح.م. زاوش در کتاب دولت‌های ایران در عصر مشروطه یا نوشته‌های خود امینی، کدام یک می‌تواند صحت داشته باشد و مبنای فهم و قضاوت قرار گیرد. به گمان ما، هیچ یک از این تحریرها و تألیف‌ها، از استاندارد لازم برای خوانش عمومی، استناد تاریخی و ظرفیت تخصصی برخوردار نیست. و این سه خصیصه که گفته شد، ویژگی‌های یک کتاب مفید و ارزشمند در عرصه تاریخ است. باید به صورت تخصصی (گزینش، منابع صحیح، روشمند بودن) از ظرفیت‌ها و ظرفیت‌های این دانش بهره‌گیر. باید به صورت منبعی در خور و شایسته مورد استفاده و استناد مورخان بعدی باشد و سرانجام باید قدرت اقتناع طبقه متوسط و عالی خوانندگان، علاقه‌مندان به موضوع و متخصصان را داشته و خوانش آن، مهر تأییدی بر این اقتناع است.

علی امینی این شانس را داشته است که به‌عنوان یک رجل سیاسی و بلکه سوژه و موضوعی جالب و بحث انگیز، تألیفات متعددی را به خود اختصاص دهد. اما مهم‌تر از همه، این بخت را یافته که توسط مؤلفی آشنا به موضوع درباره‌اش تحریر و منتشر شود. نکته جالب این‌که این مؤلف و پژوهشگر فرزند اوست و جالب‌تر این‌که بر خلاف موارد مشابه، او مقام توصیف و اعتدال را رعایت کرده و نکوشیده است چهره‌ای بزرگ کرده و مطابق مطلوب روزگار ارائه کند. این کتاب، بر بال بحران نام دارد و ایرج امینی فرزند دکتر علی امینی آن را نگاشته و منتشر ساخته است. پیش از ورود به معرفی این کتاب، علی امینی را به اجمال معرفی می‌کنیم:

علی امینی در سال ۱۲۸۴ هجری شمسی - برابر با ۱۹۰۵ م - در تهران متولد شد. او چهارمین فرزند محسن امین الدوله، پسر میرزا علی خان امین الدوله، صدر الوزرای مظفرالدین شاه قاجار بود. مادرش اشرف خانم فخرالدوله، دختر مظفرالدین شاه، از زنان متنفذ در عهد مشروطیت و پهلوی بود که اثری فراوان بر زندگی پسرش نهاد. امینی پس از گرفتن دیپلم متوسطه از مدرسه دارالفنون، در سال ۱۳۰۴ عازم پاریس شد و در آن‌جا موفق شد در رشته حقوق درجه‌ی دکتري بگیرد. پس از آن‌که به میهن بازگشت، با دختر سیاستمدار معروف ایران حسن وثوق الدوله، به نام بتول خانم ازدواج کرد.

امینی خدمات دولتی خود را در زمان وزارت علی اکبر داور در دادگستری آغاز کرد. سپس در سال ۱۳۱۲ به همراه داور به وزارت دارایی انتقال یافت. در سال ۱۳۱۵، امینی به ریاست کل گمرک و در سال ۱۳۱۸ به معاونت وزارت دارایی منصوب شد. در سال ۱۳۲۱ در کابینه‌ی قوام السلطنه ترقی کرد و به معاونت نخست وزیری دست یافت. از این پس دامنه‌ی



علی امینی در دوران نخست وزیری

شماری پیش‌نویس که به منظور تدوین خاطرات نگاشته شده بود، بیش‌تر یادداشت‌ها به شرح احوال روزانه ایشان، دیدارها، رؤس مهم‌ترین خبرها و گاهی نقل قولی از روزنامه‌های لوموند و هرالد‌تریبیون بین‌المللی که طبق عادت روزانه می‌خواندند، مربوط می‌شود. اما همان چند پیش‌نویس این فکر را در من به وجود آورد که آرزوی پدرم را در فقدان ایشان جامه عمل بپوشانم و خاطرات سیاسی‌ای را که در نظر داشت به رشته تحریر درآورد، تدوین کنم.» (ص ۱۱)

این نقطه آغاز تحقیقات ایرج امینی درباره علی امینی است. او با حوصله و دقت شروع به کنکاش در منابع داخلی و خارجی می‌کند و یا دانستن زبان‌های فرانسه و انگلیسی و منابع مربوط به تاریخ معاصر ایران در داخل و خارج کشور، هم‌چنین مطبوعات و مجموعه‌های اسناد، به نوعی تعادل در فهم گذشته نزدیک می‌شود. در حقیقت می‌باید او را تحسین کرد که به رغم نسب بردن از سوژه کتاب، از آن فاصله گرفته و کوشیده است اثری به نسبت بی‌طرفانه عرضه کند.

حسن دیگر کار او نگارش بیوگرافیک است از مبادی زیستی و ریشه‌های تباری و خانوادگی تا تولد و بالیدن و تحصیلات و شخصیت علی امینی. اما این‌ها آن قدر دارای تفصیل نیست که موجب غلطیدن نویسنده و خواننده به موضوعات شخصی و فرعی شود و اثری شبه تاریخی اما عوامانه باشد. برعکس، تا آن‌جا پیش رفته که به شاکله مسیر سیاسی و تاریخی‌ای که زندگی و رفتار علی امینی از آن اثر گرفته و بر آن اثر نهاده هیچ صدمه‌ای نمیزند. استفاده او از منابع نیز جالب است. گاه به صورت مکمل مطالب

فعالیت‌های سیاسی علی امینی گسترش بیشتری پیدا کرد، چنان که در سال ۱۳۲۵ که قوام السلطنه مجدداً به مقام نخست‌وزیری رسید، امینی را به سمت دبیر کل شورای عالی اقتصاد و ریاست بانک صنعتی و معدنی ایران برگزید. امینی نیز در تشکیل حزب دموکرات قوام به وی مساعدت و در کنار او فعالیت می‌کرد. او در مشی و روش سیاسی از احمد قوام بسیار آموخت و شباهت‌هایی به او داشت. امینی در انتخابات مجلس پانزدهم، به عنوان وکیل پایتخت راهی مجلس شورای ملی شد.

در سال ۱۳۲۹، علی امینی در کابینه رجبعلی منصور و در سال ۱۳۳۰ در کابینه‌ی دکتر محمد مصدق، عهده دار وزارت اقتصاد ملی بود و در سال ۱۳۳۲، در کابینه‌ی سپهبد فضل‌الله زاهدی که دولت کودتا بر علیه مصدق را تشکیل داده بود، به وزارت دارایی منصوب شد. در همین زمان بود که او به نمایندگی از سوی دولت در مورد نفت با انگلستان و امریکا مذاکره کرد و قرار داد کنسرسیون را امضا نمود. همین مسأله از این پس موجب موضع‌گیری‌های تند رجال مستقل سیاسی، منتقدان و اپوزیسیون داخلی و خارجی علیه وی شد. در کابینه بعدی به صدارت حسین علاء نیز دکتر امینی وزیر دارایی بود و در سال ۱۳۳۴ به عنوان وزیر دادگستری مشغول کار شد. در دی ماه همین سال، امینی به عنوان سفیر کبیر ایران در واشنگتن معرفی و در فروردین ۱۳۳۷ به تهران احضار شد. امینی از اردیبهشت سال ۱۳۴۰ تا تیر ماه ۱۳۴۱ نخست‌وزیر بود و در دوره‌ی صدارت او اتفاقات و جنجال‌های سیاسی زیادی رخ داد. پس از پایان کار کابینه او در تابستان ۱۳۴۱، به مدت پانزده سال، امینی از عرصه سیاسی ایران کناره گرفته و کنار نهاده شده بود. از سال ۱۳۵۶ که بحران‌های انقلابی بر علیه رژیم شاه آغاز شد و به تدریج دامنه‌های آن گسترش یافت، محمدرضا پهلوی مجدداً به سراغ امینی رفت و او مدتی دیگر به صحنه سیاسی کشور بازگشت. او مشورت‌ها و مذاکرات مهمی با شاه داشت اما نتیجه‌ای نداشت زیرا مسیر انقلاب به کلی برخلاف این شیوه‌ها و رویه‌ها عمل می‌کرد و چهره‌های تازه‌ای در حال ظهور و قدرت‌گیری بود. امینی اندکی پس از انقلاب نیز به اظهار نظرهای سیاسی و برخی رایزنی‌ها و فعالیت‌ها مشغول بود.

سرانجام به اروپا رفت و در آن‌جا با برخی مخالفان و منتقدان دولت انقلابی در آمیخت و تشکیلی به نام جبهه‌ی نجات ایران را رهبری می‌کرد. علی‌امینی مدتی به قلم زدن در مطبوعات برون مرزی پرداخت و در روز ۲۱ آذر ماه سال ۱۳۷۱ - برابر با دسامبر ۱۹۹۲ - در حالی که هشتاد و هفت سال از سن او می‌گذشت در پاریس فوت کرد.

این شمه‌ای از زندگی امینی است که با تفصیل بیشتر در کتاب بربال بحران درباره آن سخن رفته و جزئیات زیادی از زندگی خصوصی و سیاسی وی در معرض خوانش عمومی قرار گرفته است. ایرج امینی، در ابتدای کتاب می‌نویسد که پس از فوت پدرش، «به یادداشت‌های ایشان دست یافتم که از سال ۱۳۵۳ تا چند هفته پیش از انقلاب اسلامی نوشته شده بود. امیدوار بودم که با خواندن این یادداشت‌های روزانه، به سوالات متعددی که درباره عقاید، اهداف و اعمال سیاسی ایشان مطرح بوده است و هم‌چنین بعضی نکات تاریک تاریخ معاصر ایران پی ببرم. متأسفانه سوای



علی امینی و فؤاد روحانی در جلسه کنسرسیون نفت

**علی امینی یکی از مهم‌ترین چهره‌های سیاسی در عصر پهلوی است. او به کرات وارد فضای سیاسی شده و از معاونت وزارتخانه تا معاونت نخست وزیری و وزارت و صدارت را تجربه کرده بود**

## مکتب کلاسیک

نظرم به تفصیل و حوصله‌ای جداگانه نیاز دارد و باید همه منابع با هم در این زمینه هم‌مشین شود تا دیدگاه شفافتری از این مرحله‌ی زندگی علی امینی به دست آید.

از مهم‌ترین بخش‌های کتاب بربال بحران، که استناد آن را تا حد منبعی درجه اول ارتقا می‌دهد، چاپ یادداشت‌های شخصی و سیاسی علی امینی است. این یادداشت‌ها در دوران انقلاب اسلامی، پرتوی بر برخی حقایق تاریخی افکنده و تحرکات و مواضع بسیار از چهره‌های سیاسی در دو سوی معارضه را روشن‌تر کرده است. برخی از آن‌ها بسیار تازه و واجد نکات منحصر بفرد است. برخی در حاشیه مسائل مهم به کار می‌آید و در مجموع، ارزش رجوع و ارجاع تاریخی را می‌توان در همه این یادداشت‌ها ملاحظه کرد. در ضمن این یادداشت‌ها می‌توان روح سیاستمدار پیر را دید که هنوز امیدوار است به عرصه باز گردد و البته چندان از سیاق رخدادهایی که هم‌چون سیل در راه است راضی نیست و کیفیت متفاوت آن را هنوز در نیافته یا نمی‌خواهد دریابد. یک نمونه مربوط است به سه شنبه، ۱۲ دی ۱۳۵۷ (برابر با ۲۲ ژانویه ۱۹۷۹):

«... گزارش دادند دکتر سنچایی در بیمارستان امیر اعلم سخنرانی می‌کند. این مرد پیر هم به دست و پا افتاده و خودش را به آقای خمینی چسبانده و نه کسی را قبول دارد و نه کسی او را. به هر حال تلاش می‌کند. آقای مهندس بازرگان در جنوب برای تأمین احتیاجات سوخت داخلی مشغول است و امید می‌رود که این کار حل شود، چون صف‌های طویل مردم برای نفت و بنزین در جلوی ایستگاه‌های بنزین و نفت جگر خراش است...»

شاه با این کیفیت و به توصیه اطرافیان کم عقل، خودش را در وضع بدی قرار داده و می‌دهد. چون در مشهد و قزوین و امروز در کرمانشاه، در اثر حمله‌ور شدن مردم به افراد نظامی و کشته شدن عده‌ای از مأموران شناخته شده‌ی ساواک و گره‌بان‌ها، کشتار زیادی از طرف نظامیان که عصبانی شده‌اند انجام گردیده؛ به طوری که آقای فلسفی واعظ، اوایل شب به من تلفن می‌کرد که در قزوین در همین ساعت کشتار عجیبی است. ناچار به آقای ارتشبد اویسی تلفن کردم و گفتم که دستور داده‌ام این کار را موقوف کنند. درست یا نادرست نمی‌دانم...» (صفحات ۵۶۸ و ۵۶۹).

ختم کلام آن که بربال بحران، اثری قابل توجه در عرصه تاریخ معاصر ایران است. ارزش کتاب، پیش از آن که وابسته به نظر گاه مؤلف و انگیزه‌های او باشد، پیوسته به منابع و روش تدوین و کیفیت تحریر اثر است. والسلام.

و یادداشت‌های امینی، گاه برای مستند کردن آن‌ها، گاهی جهت تاکید و برخی نیز برای نقد و توجه مجدد به موضوع آورده شده است.

یک مزیت دیگر کتاب، نثر پخته و مرسل ایرج امینی است که بی حشو و زوائد و در عین حال محکم و متین تحریر شده. این نثر به او کمک کرده تا فصل بندی و تدوین اثر به زیبایی و استواری فرجام یابد و اثر خواندنی‌تر شود. چاپ‌های مکرر کتاب و نظر‌ها و نقدهای پر تعداد مطبوعاتی و اینترنتی و تقریظ‌های صاحب نظران سیاسی و تاریخی نیز دلیل و مؤید این ادعاست و می‌توان آن را به طور کلی در زمره‌ی منابع اصلی تاریخ‌نگاری معاصر ایران به حساب آورد.

بربال بحران در ۲۶ فصل تدوین شده است و شامل این سر فصل هاست: کودکی و نوجوانی، سرآغاز زندگی سیاسی، دوران وزارت، مقدمات زمامداری، کودتا در عراق، سال‌های بحران، انتخابات زمستانه، کندی و ایران، سپهبد تیمور بختیار در واشنگتن، یا زندان یا نخست وزیری، تشکیل دولت، کمک اقتصادی آمریکا، دو رویداد سرنوشت ساز، دکترامینی و دانشجویان، دکتر امینی و مطبوعات، دکتر امینی و روحانیون، اصلاحات ارضی، دکتر امینی و انتخابات، حادثه اول بهمن ۱۳۴۰، برنامه‌ی سوم و سفر دکتر امینی به اروپا، دو سفر، مشکل بودجه و استعفای دکتر امینی، از بی‌مهری تا بی‌تفاوتی، خاموش نشستن گناه است، مشاور محمد رضا شاه پهلوی، پایان یک زندگی.

در مجموع، از لابلای سطور این کتاب می‌توان چهره یک سیاستگر ایرانی کلاسیک را که در مکتب موازنه میان قدرت‌ها، همراه با نوعی خردورزی سیاستنامه‌ای و سنتی برای ایجاد تعادل در نیروهای داخلی را دائما به کار می‌گیرد، مشاهده کرد. امینی در کنار دولت‌مردانی از جنس قوام تجربه اندوخته و از حکمت سیاسی فروغی بهره گرفته بود. او رابطه‌ای مناسب با برخی نیروهای مذهبی و روحانیون داشت و برخلاف محمد رضا پهلوی و برخی دیگر از رجال مغرور و مخبط سیاسی، می‌دانست که نباید در این حوزه از حدود خود تجاوز و یا عواطف دینی مردم و رهبران و مراجع دینی را جریحه دار نماید.

برخی فصول کتاب، نظیر جریان کنسرسیوم و قرارداد نفت، (ازص ۱۰۴ به بعد و مسائل دوران انقلاب اسلامی در اواخر زندگی دکتر امینی) البته قابل مناقشه و نقد است. نویسنده البته بر اساس دیده گاه و مستندات خود کوشیده محمل‌های مناسب برای رفتار سیاسی امینی فراهم کند. اما به